

نقد حقوقی رأی شماره ۲۰۷۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

مهدی مددی⁻

حجت‌الله واعظی نژاد⁻

یوسف عبدالملکی⁻

چکیده

بر اساس ذیل ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی «معافیت تحصیلی برای هر مقطع فقط یکبار داده می‌شود.» لکن هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در بررسی بخشنامه شماره ۲۳-۳۲۵/۲/۲ مورخ سازمان وظیفه عمومی ناجا - که بر این امر تأکید نموده است - اقدام به صدور رأی شماره ۲۰۷۱ نموده و بر اساس آن مقرر داشته است که این امر باعث اعمال محدودیت حق بر آموزش می‌شود و به همین جهت اقدام به ابطال این بخشنامه نموده است. در مقاله حاضر ضمن بررسی استدلال‌های صورت پذیرفته شده توسط شاکی و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، این نتیجه حاصل گردیده که تفسیر صورت گرفته شده دیوان عدالت اداری برخلاف اصول و قواعد فقهی و حقوقی می‌باشد و در صورتی که نظریه هیئت عمومی دیوان در خصوص امکان تحصیل مجدد در مقاطع سابق پذیرفته شود این امر می‌تواند به مفسده‌ی بزرگ تقلب نسبت به قانون منجر گردیده و این ظرفیت را فراهم آورد تا مشمولان با استفاده از معافیت تحصیلی نسبت به تکلیف خود مبنی بر انجام خدمت وظیفه عمومی ایجاد تأخیر نموده حتی این تکلیف را از خود سلب نمایند. لذا بازنگری در این تفسیر - که در مغایرت با هدف مقنن نیز است - امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: خدمت وظیفه عمومی، نقد رأی، معافیت تحصیلی، دیوان عدالت اداری.

- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران، ایران.

mehdimadadi4@yahoo.com

- دکترای امنیت ملی، تهران، ایران.

lawresearchreview@gmail.com

- کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

lawreview26@gmail.com

مقدمه

حق بر آموزش و تحصیل یکی از حقوقی است که در اصل ۳۰ قانون اساسی نیز مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته و مطابق قانون دولت مکلف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. لکن موضوع خدمت وظیفه عمومی توسط اتباع ذکور ایرانی یکی از موضوعات بسیار مهمی است که نسبت به این حق دارای اثرگذاری است (سیدی و دیگران، ۱۳۹۵، ۶۸). چراکه بر طبق قانون خدمت وظیفه عمومی هر فرد ذکور ایرانی در ماهی که طی آن ماه به سن هجده سال تمام می‌رسد مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی می‌گردد و این بدان معنی است که امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر علی‌القاعده تا پیش از تعیین تکلیف خدمت وظیفه عمومی برای این دسته از افراد امکان‌پذیر نمی‌باشد.

بر اساس ماده ۳۰ و تبصره نخست آن اتباع ذکور ایرانی تحت شرایطی می‌توانند از معافیت تحصیلی برخوردار شوند و تا حداکثر یک سال پس از تاریخ انصراف، ترک تحصیل و اخراج و فراغت از تحصیل نیز مهلت دارند خود را جهت انجام خدمت وظیفه عمومی معرفی نمایند. بر همین اساس نخستین ضابطه در خصوص معافیت تحصیلی، توجه قانون‌گذار به سنوات مجاز تحصیلی است تا از این طریق سوءاستفاده احتمالی از این ظرفیت قانونی محدود گردد لذا در تبصره یک ماده ۳۳ قانون خدمت وظیفه عمومی قانون‌گذار اشعار داشته است که «حداکثر معافیت تحصیلی برای دانش‌آموزان تا سن بیست سال تمام و در هر یک از مقاطع تحصیلی کاردانی دو و نیم‌سال، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی ارشد ناپیوسته سه سال، کارشناسی پیوسته پنج سال و کارشناسی ارشد پیوسته شش سال، دکترای پزشکی پیوسته هشت سال و دکترای تخصصی شش سال است.»

دومین ضابطه‌ای که در خصوص استفاده از معافیت تحصیلی وجود دارد در ذیل ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی متجلی گردیده و بر اساس آن «مشمولین دیپلم که حداکثر یک سال پس از فراغت از تحصیل در یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور که مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم و بهداشت می‌باشند پذیرفته شوند تا زمانی که وفق تبصره (۱) ماده (۳۳) به

تحصیل اشتغال دارند، می‌توانند مشروط به اینکه دارای غیبت غیرموجه نباشند از معافیت تحصیلی استفاده نمایند. این معافیت برای هر مقطع فقط یک‌بار داده می‌شود.» این موضوع به این معنا است که مشمولان در هر مقطع تحصیلی تنها یک‌بار امکان استفاده از معافیت تحصیلی را خواهند داشت و در صورت تمایل به تحصیل مجدد در مقاطع سابق لازم است ابتدائاً وضعیت خدمت و وظیفه عمومی خود را مشخص نمایند.

موضوع امکان تحصیل مجدد در مقاطع تحصیلی سابق - چه به نحو مستقیم و چه غیرمستقیم - یکی از مسائلی است که می‌تواند منشأ بحث‌های فقهی و حقوقی گسترده‌ای گردد. در همین زمینه نیز هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام به صدور یک رأی نموده است که بر اساس آن منع نمودن افراد از تحصیل در مقاطع بالاتری که مستلزم طی نمودن مقاطع پایین‌تر می‌باشد (تحصیل مجدد در مقاطع تحصیلی سابق به صورت غیرمستقیم) خلاف قانون و حق بر آموزش شناخته شده است و لذا دیوان عدالت اداری رأی به ابطال این بخشنامه و مقررده داده است. به عبارت دیگر دیوان عدالت اداری بر این باور بوده است که بایستی ذیل ماده ۳۵ قانون خدمت و وظیفه عمومی تنها به نه‌ای تحصیل مستقیم در هر یک از مقاطع تحصیلی سابق محدود گردد و بر این مبنا تحصیل غیرمستقیم در مقاطع سابق شامل این نهی نمی‌باشد. رأی مزبور اما از چندین جهت قابلیت نقد و بررسی دارد و لازم است نسبت به استدلال‌های صورت گرفته توسط فرد شاکی و همچنین هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تأمل بیشتری صورت پذیرد و با بررسی جایگاه آن در میان اصول و قواعد فقهی و حقوقی ابعاد مختلف آن مورد تبیین قرار گیرد بر همین اساس مسئله اساسی مقاله حاضر آن است که رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری تا چه میزان با اصول و قواعد فقهی و حقوقی در انطباق است؟ به عبارتی آیا اصول و قواعد فقهی و حقوقی نیز از استدلال‌های صورت گرفته شده توسط شاکی و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حمایت می‌کند یا خیر؟ بر همین اساس و باتوجه به آن که پژوهش حاضر دارای ماهیت نظری می‌باشد سعی بر آن است که در یک رویکرد تحلیلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و باتکیه بر تفسیر و استدلال در سراسر پژوهش، نخست استدلال‌های صورت پذیرفته توسط شاکی در پرتو اصول و قواعد فقهی و حقوقی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و سپس با نگاهی

بر واقعیت‌ها و مبانی قانونی و همچنین با تمسک به اصول و قواعد فقهی و حقوقی، ماهیت رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورد تأمل واقع گردد تا بدین ترتیب ابعاد مختلف این رأی روشن شود.

۱. متن دادنامه شماره ۲۰۷۱ و رأی صادر شده توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

پیشینه رأی شماره ۲۰۷۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مربوط به آن است که معاونت مشمولان و امور معافیت‌های سازمان وظیفه عمومی ناجا در بخشنامه شماره ۳۲۵/۲/۲-۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۲ خطاب به ریاست محترم سازمان امور دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چنین مقرر نموده است که «با احترام به آگاهی می‌رساند طبق ماده (۳۵) قانون خدمت وظیفه عمومی و ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی معافیت تحصیلی این معافیت برای هر یک از مقاطع دانشگاهی فقط یک‌بار صادر می‌گردد، لذا مشمولان قبل از پایان خدمت با اخذ معافیت دائم خدمت وظیفه عمومی مجاز به ادامه تحصیل در مقاطعی که قبلاً از آن مقطع فارغ‌التحصیل شده‌اند نیستند. علی‌هذا باتوجه به اینکه «فارغ‌التحصیلان مقاطع کاردانی و بالاتر، مجاز به ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی پیوسته و کارشناسی ارشد پیوسته و همچنین دکترای پیوسته نمی‌باشند»، خواهشمند است دستور فرمایید کلیه دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات آموزش عالی مربوط، به‌منظور جلوگیری از اشتباه کاربران دفاتر پلیس ۱۰، در برگیرنده درخواست معافیت تحصیلی، الزاماً پیوسته یا ناپیوسته بودن مقطع تحصیلی مشمولان را مشخص نمایند و در غیر این صورت دفاتر پلیس ۱۰ از ثبت این‌گونه درخواست‌ها معذور خواهند بود.»

در پی ابلاغ این بخشنامه، یکی از شهروندان با طرح شکایت و تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری «ابطال بخشنامه شماره ۳۲۵/۲/۲-۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۲ سازمان نظام‌وظیفه عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «... اینجانب چند ماهی است که پس از این‌که متوجه شدم در انتخاب رشته خود اشتباه کرده‌ام تصمیم به خواندن دوباره دروس کارشناسی و شرکت دوباره در کنکور تجربی کرده‌ام پس از مدتی طی نامه‌ای به سازمان امور دانشجویان (وابسته به نظام‌وظیفه)

با استناد به بخشنامه ۳۲۵/۲/۲ - ۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۲ که مربوط به امور معافیت دانشجویی می‌باشد بیان می‌کند «با عنایت به اینکه معافیت برای هر یک از مقاطع تحصیلی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) فقط یک‌بار صادر می‌شود و مشمولان قبل از اخذ پایان خدمت یا معافیت دائم از خدمت وظیفه عمومی مجاز به تحصیل مجدد در مقاطعی که از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند نیستند بر همین اساس نیز فارغ‌التحصیلان مقطع کاردانی و بالاتر مجاز به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی پیوسته و همچنین دکترای پیوسته نمی‌باشند.» طبق بند ذکر شده اینجانب که در خردادماه سال ۱۳۹۶ فارغ‌التحصیل می‌شدم و خواهان شرکت در کنکور دوباره آزمون سراسری را دارم و همچنین برای شرکت در کنکور سال ۱۳۹۶ باید در بهمن ۱۳۹۵ ثبت‌نام کنم دیگر حق شرکت در کنکور برای تحصیل مجدد را ندارم و باید بعد از اتمام دوران سربازی (سال ۱۳۹۸) برای کنکور شرکت کنم که در رابطه با این موضوع ذکر چند نکته را لازم می‌دانم:

تمامی کتاب‌ها و آیین‌نامه‌های آموزشی و شیوه برگزاری آزمون در سال ۱۳۹۸ باتوجه به نظام آموزشی جدید (یعنی ۶ سال ابتدایی و ۶ سال دبیرستان) تغییر پیدا کرده و کنکور بخش اعظمی از امتیازش مربوط به امتحانات نهایی سال‌های دهم و یازدهم و دوازدهم می‌باشد. درحالی که ما چنین امتحانات نهایی را نگذرانده‌ایم پس برای کنکور نمی‌توانیم شرکت کنیم. اگر شخصی بخواهد بعد از دوران سربازی یعنی ۲ سال تمام برای کنکور شرکت کند تمامی مباحث آموخته شده به ورطه فراموشی سپرده شده چون ذهن آدمی فراموش کار است و این موضوع کار را برای ادامه تحصیل دشوار می‌کند حتی اگر در نکته ۱ مشکلی به وجود نیاید. ماده ۷ لایحه قانون اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایران مصوب سال ۱۳۵۸ می‌باشد درحالی که طبق نامه نظام‌وظیفه عمومی این امکان تحصیل به‌گونه‌ای غیرمستقیم سلب شده است (باتوجه به نکات ۱ و ۲) چه مشکلی برای نظام‌وظیفه به وجود خواهد آمد در صورتی که کسی ۲ بار از معافیت تحصیلی استفاده کند و نه بیشتر بالاخره همه مشغول به این امر مقدس می‌شوند با این تفاوت که عده‌ای خیلی زود و عده‌ای هم پس از گذراندن تحصیلات آن‌چه در اینجا مهم و شایان ذکر است: مگر نه این است که اگر دانشجویی، دانش‌آموزی و یا هر شخص توانایی تحصیل تا رسیدن به درجات عالی را دارد در جامعه اسلامی که مهد دین و علم می‌باشد حمایت‌های لازم از

او به عمل آید تا هم برای پیشرفت خودش و هم برای پیشرفت جامعه‌اش تلاش کند ولی طبق بند ذکر شده بنده باید دیگر از تحصیل مجدد دست بکشم که این کار واقعاً استعداد سوزی می‌باشد.

همچنین طبق قوانین نظام‌وظیفه هر دانشجویی ۴ سال دوره کارشناسی، ۱ سال معافیت پس از دوران کارشناسی، ۲ سال دوره کارشناسی ارشد و ۵ سال دوره دکتری، معافیت تحصیلی دارد یعنی حداقل ۱۲ سال که حتی اگر بنده در دوره دکترای پیوسته شرکت کنم که ۷ سال می‌باشد با احتساب ۴ سال معافیت دوره کارشناسی ۱۱ سال می‌شود که از ۱۲ سال نیز کمتر می‌باشد و باز هم مشکل خاصی برای نظام‌وظیفه به وجود نمی‌آید، از دیوان عدالت اداری تقاضا دارم این بند را که تحصیل مجدد را از دانشجویان سلب می‌کند را باطل و یک فرصت دوباره به کسانی که یک‌بار مسیر زندگی‌شان را اشتباه رفته‌اند داده شود نه این که در راه اشتباهی که رفته بماند و بسوزد و همه استعدادهایش آن هم در جامعه اسلامی بسوزد...

در راستای رسیدگی به این موضوع، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آرا به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است: «با عنایت به این که به موجب تبصره ۱ ماده ۳۳ قانون خدمت وظیفه عمومی، حداکثر معافیت تحصیلی در هر یک از مقاطع تحصیلی پیش‌بینی شده است و به موجب قسمت ذیل ماده ۳۵ قانون مذکور و ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی معافیت تحصیلی، این معافیت در هر مقطع تحصیلی فقط یک‌بار صادر می‌شود، بنا به مراتب اطلاق مصوبه مورد شکایت ناظر بر مواردی که ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر الزاماً مستلزم طی آن از مقطع قبلی می‌باشد باعث اعمال محدودیت حق بر آموزش می‌شود و به همین جهت خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.» و بدین ترتیب موضوع محدودیت تحصیل شهروندان ذکور به یک دوره در هر مقطع تحصیلی توسط دیوان عدالت اداری مغایر با حق بر آموزش شناخته شده و مورد ابطال قرار گرفت.

۲. نقدی بر رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

بر اساس رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری «در مواردی که ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر الزاماً مستلزم طی آن از مقطع قبلی می‌باشد این موضوع بایستی از موارد صدور معافیت تحصیلی به شمار رود چراکه در غیر این صورت این موضوع باعث اعمال محدودیت حق بر آموزش می‌شود.» به عبارت دیگر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر این باور بوده است که تحصیل در مقاطع بالاتری که مستلزم طی آن از مقطع قبلی می‌باشد بایستی به‌عنوان یک مقطع تحصیلی جدید در نظر گرفته شود و بر همین اساس فرد بایستی از معافیت تحصیلی برخوردار گردد. در مقابل سازمان وظیفه عمومی بر این باور بوده است که این امر اولاً مقصود قانون‌گذار در ذیل ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی آن بوده است که ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی سابق چه به‌صورت صریح و چه ضمنی سبب بهره‌مندی فرد از معافیت تحصیلی نمی‌شود و در ثانی این امر می‌تواند به سوءاستفاده از ظرفیت‌های قانونی در جهت ایجاد تأخیر در انجام خدمت وظیفه عمومی بیانجامد. بر همین اساس در ذیل به بررسی هریک از این استدلال‌های فوق پرداخته خواهد شد تا با تأمل پیرامون هریک بتوان نظریه موافق‌تر با اصول و قواعد حقوقی را برگزید.

۱.۲. عدم قانون‌گذاری و یا تفسیر قوانین در بخشنامه

بخشنامه معاونت مشمولان و امور معافیت‌های سازمان وظیفه عمومی ناجا در مسئله مانحن‌فیه اساساً در موضوع «درخواست معافیت تحصیلی» و لزوم درج قید پیوسته یا ناپیوسته بودن مقطع تحصیلی مشمولان در برگه درخواست معافیت تحصیلی بوده است و معاونت مزبور نه تنها اقدامی در خصوص تعیین سقف تحصیل در هریک از مقاطع تحصیلی ننموده است که حتی تفسیری از قانون نیز ارائه نکرده است. بر همین اساس اعتراض به منع تحصیل مجدد در مقاطع تحصیلی سابق بایستی نسبت به ماده (۳۵) قانون خدمت وظیفه عمومی و ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی معافیت تحصیلی صورت پذیرد چراکه بر اساس این مواد است که «معافیت تحصیلی برای هر یک از مقاطع دانشگاهی فقط یک‌بار صادر می‌گردد» و حتی با ابطال بخشنامه مزبور نیز این منع قانونی در ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی

اصلاحی ۱۳۹۰ همچنان پابرجا خواهد بود و بر اساس آن بایستی تحصیلی مجدد در مقاطع تحصیلی ماقبل را ممنوع دانست چه آن که این تحصیل به صورت صریح (مستقیم) در همان مقطع صورت پذیرد و چه آن که به صورت ضمنی (غیرمستقیم) این اتفاق رخ دهد.

در موضوع شکایت شاکی اگرچه در مقطع کارشناسی در حال فارغ‌التحصیلی می‌باشد لکن مجدداً تمایل به شرکت در کنکور سراسری داشته و معتقد است که این امکان از وی بر اساس این بخشنامه سلب گردیده است لکن این موضوع در صورتی است که اساساً بر طبق صراحت ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی این امکان برای فرد متقاضی محدود شده است و حتی با ابطال این بخشنامه - که نه در مقام تقنین و نه در مقام تفسیر قانون بوده است - نیز این ممنوعیت وجود خواهد داشت و تنها لزوم قید پیوسته یا ناپیوسته بودن مقاطع تحصیلی - که موضوع بخشنامه نیز بوده است - منتفی خواهد شد که این امر اساساً از موضوع رأی و شکایت خروج موضوعی داشته است. بر همین اساس لازم است مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مقام صالح در تفسیر قوانین عادی^۱ نسبت به تفسیر این قانون اقدام نماید و حتی در صورتی که لزوم اصلاح در قانون خدمت وظیفه عمومی را در می‌یابد نسبت به تصریح در خصوص اعطا معافیت تحصیلی در مواردی که تحصیل در مقاطع بالاتر مستلزم طی نمودن مقاطع قبلی است، اقدام نماید لکن به نظر تا پیش از این اقدام توسط مجلس شورای اسلامی و تا زمانی که ذیل ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی نسخ نشده است بایستی تحصیل در مقاطع سابق را مورد نهی قانون‌گذار قلمداد نمود.

۲.۲. پیشگیری از تقلب نسبت به قانون

چنانچه بخشنامه فوق‌الذکر چنین در نظر گرفته شود که تفسیری جدید از ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی ارائه نموده است بایستی به این موضوع توجه داشت که تفسیر ارائه شده مبنی بر ممنوعیت تحصیل دارندگان مدرک کاردانی در دوره کارشناسی پیوسته و ... در راستای پیشگیری از تقلب نسبت به قانون بوده

۱. اصل هفتاد و سوم قانون اساسی «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است.

مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.»

است. تقلب نسبت به قانون در حقوق داخلی عبارت است از به‌کارگیری وسایل صحیح و قانونی برای رسیدن به اهداف و نتایج غیرقانونی است (طباطبایی و قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۲۷).

طولانی کردن روند تحصیل به‌منظور تعویق در سربازی (کریمی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۴۱) یکی از مخاطراتی است که پذیرش رأی و استدلال هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌تواند در پی داشته باشد. بر همین اساس در صورتی که دارندگان مدرک کاردانی امکان تحصیل مجدد در دوره کارشناسی پیوسته را با این نظر که این امر از مصادیق تحصیل در مقطع بالاتر است را داشته باشند این موضوع می‌تواند به سوءاستفاده از ظرفیت‌های قانونی جهت نادیده انگاشتن و عدول از قانون پنداشته شود چراکه افراد با استفاده از این تفسیر صورت گرفته این امکان را خواهند داشت که به‌صورت مکرر در مقاطع تحصیلی مختلف ثبت‌نام و تحصیل نمایند تا زمانی که به سن ۵۰ سالگی رسیده و از شمولیت تکلیف انجام خدمت وظیفه عمومی خارج شوند چراکه بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۱ «هر مرد ایرانی از اول ماهی که طی آن ماه به سن هجده سال تمام می‌رسد تا پایان سن پنجاه سالگی، مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی است.» تا بدین ترتیب محدوده سن قانونی شمولیت به سن ۱۸ سالگی تا ۵۰ سالگی محدود گشته باشد و این انحصار می‌تواند با استفاده از این تفسیر ارائه شده از ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی نادیده گرفته شود لذا قانون‌گذار بایستی به تقلب نسبت به قانون توجه ویژه‌ای داشته باشد و ظرفیت‌های قانونی را به نحوی مورد استفاده قرار دهد که افراد در پرتو آن‌ها امکان زیر پا گذاشتن قوانین را نداشته باشند.

۳.۲. اصل هدف شایسته

یکی از مهم‌ترین ارکان وضع مقررات و همچنین اتخاذ تصمیمات توسط مقام‌های عمومی، در نظر گرفتن اهداف و غایت قانون است به عبارتی هریک از مقامات عمومی لازم است تا در اتخاذ تصمیم خود اهدافی را مدنظر قرار دهند که با اهداف قانون همخوانی داشته و با غایت آن همسو باشد (پتفت و مرکز مالگیری، ۱۳۹۷، ۱۶۷). در موضوع مانحن‌فیه چنان که گذشت هدف غایی و نهایی

قانون‌گذار از تصویب ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی این مسئله بوده است که افراد با استفاده از ظرفیت‌های قانونی امکان سرپیچی از انجام خدمت وظیفه عمومی را نداشته باشند و به عبارتی اعطاء معافیت تحصیلی به مشمولان از منظر زمانی دارای یک نصاب مشخصی باشد. تحقق این هدف قانون‌گذار مستلزم آن است که اولاً میزان بهره‌مندی مشمولان از معافیت تحصیلی در هر مقطع از یک محدوده زمانی خاصی برخوردار باشد و مشمولان طی یک مدت‌زمان عرفی معقول موظف به اتمام تحصیل خود و یا تعیین تکلیف وضعیت تحصیلی خود باشند این امر در ماده ۳۳ قانون خدمت وظیفه عمومی مورد توجه قرار گرفته است و مدت زمان تحصیل در هریک از مقاطع به نحو مشخصی منحصر شده است. دومین الزام در جهت پیشگیری از سوءاستفاده از قانون^۱ آن است که دفعات تحصیل در هر مقطع تحصیلی به میزان مشخصی محدود گردد و مشمولان این امکان را نداشته باشند که با ثبت نام و تحصیل چندباره در یک مقطع تحصیلی، به صورت متعدد و متوالی معافیت تحصیلی کسب نموده و در زمان متعدد و در مورد زمان انجام خدمت وظیفه عمومی ایجاد تأخیر غیرعقلانی نمایند. خلاصه آن که بر اساس اصل هدف شایسته بایستی با توجه به مقصود قانون‌گذار تفسیر صحیح از قانون ارائه شود و نبایستی با ارائه یک تفسیر، هدفی که قانون‌گذار از وضع یک قانون داشته است نقض گردیده و افراد امکان سرپیچی از قانون را پیدا نمایند.

۴.۲. اصل انتظار مشروع

بر اساس اصل انتظار مشروع، مقامات دولتی در هرگونه اعمال صلاحیت اختیاری باید انتظارات مشروع شهروندان را مدنظر قرار دهند. تصمیمات مبتنی بر چنین صلاحیتی باید تابع انصاف رویه‌ای و مستلزم نوعی حمایت حقوقی باشند و نباید خارج از حدود انصاف و عدالت اعمال شوند (رستمی و دیگران، ۱۴۰۱، ۲۳۳). در واقع هنگامی که یک تصمیم دولتی اتخاذ می‌شود و یا اقدام خاصی توسط کارگزاران دولت انجام می‌گیرد وضعیت‌های حقوقی خاصی به وجود می‌آید که حقوق و امتیازات گروهی از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تغییر وضعیت

۱. فرار از قانون همان تقلب نسبت به قانون است مانند اینکه در کشور خود نتواند زوجه خود را طلاق

دهد، پس ترک تابعیت کرده، تابعیت کشوری را قبول می‌کند تا بتواند زوجه خود را طلاق دهد.

منوط به آن است که انتظارات مشروعی را که در نتیجه عمل پیشین دولت برای شهروندان برقرار شده محترم شمرده و خدشه‌ای به آن‌ها وارد نسازد. بر همین اساس مقامات عمومی بایستی نسبت به اقدامات آتی خود شهروندان را پیشاپیش مطلع ساخته تا آن‌ها بتوانند برنامه‌ریزی‌های مناسب را نمایند (زارعی و بهنیا، ۱۳۹۰، ۱۵۶).

در موضوع تعیین سقف مرتبط با تحصیل در هر یک از مقاطع تحصیلی این موضوع اساساً دارای مغایرتی با اصل انتظار مشروع شهروندان نیست چراکه این موضوع به صورت واضح در قانون و از سال ۱۳۶۳ مورد ذکر بوده است و بخشنامه‌ای که پس از حدود ۳۲ سال از تصویب قانون در این مورد صادر شده است نیز به بیان حکم جدیدی نپرداخته است و یا تغییری در فرایند اجرایی و قانونی حاکم بر این موضوع پدید نیاورده است که این موضوع به انتظار مشروع شهروندان آسیبی رسانده باشد. به عبارتی در بخشنامه مورد اعتراض نه مدت‌زمان مربوط به معافیت‌های تحصیلی دستخوش تغییر شده است و نه حتی در میزان دفعات کسب معافیت تحصیلی تغییری پدیدآمده است و بر همین اساس نیز انتظارات مشروع شهروندان در خصوص برخورداری از معافیت تحصیلی در صورت پذیرش در مقاطع تحصیلی بالاتر همچنان مورد احترام سازمان وظیفه عمومی بوده است و تغییری در این مورد حاصل نشده است. علاوه بر این حتی اگر موضوعی نیز سبب آسیب احتمالی به انتظار مشروع شهروندان گردیده باشد، موضوع تغییر نظام آموزشی و مشخص نبودن تکلیف دانش‌آموزان نظام قدیم در خصوص نحوه محاسبه سوابق تحصیلی و منابع مرتبط با کنکور سراسری بوده است و در این خصوص نمی‌توان مسئولیتی را سازمان وظیفه عمومی دانست لذا پذیرش این فرضیه نیز چندان درست نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطروحه چنین دریافت می‌شود که رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر امکان تحصیل مجدد در مقاطع تحصیلی سابق توسط مشمولان قانون خدمت وظیفه عمومی می‌تواند واجد یک مفسده بسیار بزرگ مبنی بر سوءاستفاده از ظرفیت قانونی معافیت تحصیلی در ایجاد تأخیر و حتی عدم انجام این تکلیف دینی و ملی گردد. بر همین اساس لازم است تا دیوان عدالت اداری از در تفسیر ذیل ماده ۳۵ قانون خدمت وظیفه عمومی به این مهم توجه نماید و اجازه دهد تا در صورتی که قانون‌گذار در پرتو قاعده لطف امکان تحصیل مجدد در مقاطع سابق را به صلاح دانست، این مهم در قالب تفسیر قانون و یا اصلاح قانون خدمت وظیفه عمومی اجرایی شود و تا زمانی که مجلس شورای اسلامی اقدام به این امر ننموده است بهتر است از انجام تفسیری که می‌تواند به سوءاستفاده از قانون و تقلب نسبت به آن منجر گردد خودداری شود چراکه این امر مفسده‌های بسیاری را در پی دارد و می‌تواند سبب تضعیف بنیه دفاعی کشور نیز گردد.

فهرست منابع

- پتفت، آرین، مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۷)، مفهوم و قلمرو اصول کلی حقوق اداری، امکان و چگونگی استناد به آن در رسیدگی‌های قضایی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، پژوهشگاه قوه قضاییه.
- رستمی، ولی، غمامی، سید محمدمهدی؛ سلیمی، حمیدرضا (۱۴۰۱)، انتظار مشروع در نظام حقوق اداری، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره (۵۲)، شماره (۱)، صص ۲۳۱-۲۴۸.
- زارعی، محمدحسین، بهنیا، مسیح (۱۳۹۰)، تأملی بر امکان اعمال اصل انتظار مشروع در دیوان عدالت اداری، فصلنامه علمی راهبرد، دوره (۲۰)، شماره (۶۱)، صص ۱۵۳-۱۸۹.
- سیدی، سید محمدرضا، سیدی، سید حسین؛ صلواتیان، سیاوش (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی تجربی خدمت نظام‌وظیفه از منظر سربازان دارای مدرک تحصیلات تکمیلی، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره (۵)، شماره (۱۴)، صص ۶۷-۸۶.
- طباطبایی، سید محمدصادق، قاسمی، رسول (۱۳۹۰)، قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در حقوق داخلی، حقوق اسلامی، دوره (۸)، شماره (۳۱)، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- کریمی، ابراهیم، هندیانی، عبدالله؛ عبدالملکی، یوسف؛ انوشه، مرتضی؛ موسوی نقابی، سید مجتبی (۱۳۹۸)، نگرش مضمولان وظیفه عمومی نسبت به مقوله خدمت سربازی، فصلنامه مطالعات خدمت سربازی، دوره (۲)، شماره (۲)، صص ۱۲۵-۱۵۴.